

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

جمع بندی مباحث جلسات گذشته و بیان نظریه ی مختار

بالاخره از این آیه شریفه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و همچنین «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» ما باشیم و این آیات شریفه استفاده کردیم که وجه و کفین که ظاهر هست نوعاً «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» یعنی آنچه که ظاهر هست عادتاً و ظاهر هست نوعاً.

این نوعاً و عادتاً روشن باشد که مراد نوع و عادت زنان عرب فقط نیست، شارع مقدس در این موارد زن را غالب و جنس زن را در نظر می‌گیرد آن وقت نوعاً زن وجه و کفینش ظاهر است. و از این نظر گفتیم از آیه شریفه این استفاده می‌شود یعنی نکات مهمی که در این جهت بود بیان کردیم.

آن وقت خود این «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» که جیوب جمع جیب بمعنای صدر است، چون در زنهای جاهلیت به این نحو بود که خمار و مقنعه ی خودشان را از پشت گوش به پشت می‌انداختند گردن و سینه پیدا بود.

آیه می‌فرماید که این خمر را طوری بیاندازند که جیوب و صدر و سینه اینها را بپوشاند خود همین قرینه است که پوشش وجه لازم نیست. و الا می‌فرمود: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ وجوههن و جُيُوبِهِنَّ» اما فقط جیوب را آورده است، حالا خمار را بگوییم با مقنعه يك معنا دارد کما اینکه بعضی از بزرگان مثل صاحب مدارك قائل شدند یا گفتیم از جهت بزرگی و کوچکی بینشان اختلاف است ما قبلاً در معنای جلباب آنجا اشاره کردیم.

اما خمار موی سر را مسلم می‌پوشاند، زنها هم طوری بوده که موی سرشان را می‌پوشاندند و به پشت می‌انداختند خمار را.

آیه می‌فرماید: «اینها را بگو جیوبشان را هم بیاندازند» پس معنایش این است که پوشاندن خود وجه لازم نیست.

در این آیه شریفه (31 سوره مبارکه نور) هم از «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و هم از «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» از دو قسمت در این آیه شریفه ما استفاده می‌کنیم که اظهار وجه و کفین مانعی ندارد.

اگر شما بفرمایید چرا «وليضربن» را بیان کرد؟ ما باشیم و «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» اگر شما بگویید «ماظهر» غالبی و نوعش مراد است، نوعش همین وجه و کفین است. شارع برای تأکید بیشتر بیان می‌کند و الا ما بودیم و آیه قبل، از آیه قبل استفاده می‌شود که گردن و زیر گردن عنوان زینت باطنی را دارد باید پوشیده بشود، سینه روشن است که از زینت باطنی است باید پوشیده بشود.

اما این را شارع برای تأکید بیشتر بیان می‌کند، یعنی چون زنها علاوه بر وجه و کفین بعضی از اینها که يك مقداری تقیدی ندارند گردن و زیر گردنشان هم پیدا است. و این «وليضربن» يك تأکیدی است برای یکی از مصادیقش، مثل این که اگر دوباره می‌فرمود مثلاً موهای سر حتی پشت سر هم پوشیده بشود، اگر می‌فرمود پاهایشان پوشیده بشود، ساق پا، که ساق پا از زینت باطنه است. ما باشیم «وَلَا يُدِينَ زِينَتُهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» همه اینها را شامل می‌شود فقط وجه و کفین استثناء است. این «وَلِيُضْرِبْنَ» يك تأکیدی است.

عرض کردم ما باشیم و آیات، البته روایات هم مجموعاً همین ازش استفاده می‌شود، که وجه و کفین مخصوصاً آن روایت فضیل که چند جلسه مفصل ما راجع به آن بحث کردیم به خوبی استفاده می‌شود که در شریعت ابداء وجه و کفین اشکالی ندارد.

بررسی حکم ابداء زینت وجه و کفین از آیه شریفه

حالا نکته‌ای که امروزه از خیلی از بزرگان سؤال می‌شود در زمان والد راحل ما (رضوان الله علیه) هم سؤال میشد این است، آیا آیه می‌گوید وجه بصورت طبیعی اما اگر همین وجه را زینت بکند این باز ابدایش اشکال دارد، اگر دست را زینت بکند باز ابدایش اشکال دارد یا نه؟ ببینیم از این آیه شریفه راجع به این موضوع چه استفاده می‌کنیم!

نکته دوم این است آیا از آیه شریفه ما استفاده می‌کنیم که وجه و کفین ابدایش مطلقاً جایز است ولو زینت‌های عرضی ظاهری این آرایش‌های که زنها دارند؟ یا اینکه نه مطلقاً جایز نیست، ببینیم از آیه چه استفاده می‌شود.

محل نزاع در این فرع در آنجایی است که این آرایش‌ها موجب خوف فتنه نشود، اگر يك زنی بداند که اگر يك نوع آرایشی بکند دیگران به حرام می‌افتد این يك بحث دیگری است.

یعنی ما باید برویم ادله این که اگر يك زنی، یا يك مردی (اختصاص به زن ندارد) لباس بسیار جذابی بپوشد بطوری که زنها تحریک بشوند آیا حرام است برای این مرد یا نه؟ زن خودش را طوری آرایش بکند که اجنبی که او را نظر می‌کند او تحریک بشود و به حرام بیافتد و آیا احتمال وقوع در حرام کافی است یا باید علم به وقوع در حرام باشد؟ این يك بحث دیگری است.

ما الان اینجا می‌خواهیم اینطور بگوییم، فرض کنید در مورد خود وجه و کفین که آرایش نشده باشد، یک زنی هست وجه و کفینش را آرایش هم نکرده ما می‌گوییم آیه می‌فرماید ابدایش اشکالی ندارد آیا اطلاقی طور است آنجایی که علم دارد دیگری در حرام می‌افتد باز ابدایش اشکالی ندارد؟

بنابر این، (می‌خواهم عرض کنم این بحث‌ها مخلوط نشود) اولین بحث الان این است که اگر يك زنی صورت خودش را آرایش بکند اما بحث وقوع دیگران در حرام نیست، یقین دارد که این اجنبی هم اگر نگاه بکند در حرام واقع نمی‌شود، می‌خواهیم ببینیم آیه این صورت را هم می‌گوید جایز است، یا نه؟

آیه وقتی می‌گوید «ما ظهر منها» یعنی آنی که به حسب طبع اولی ظاهر است، این آرایش يك امری است زاید بر خلقت زن این يك چیزی است که این اضافه کرده این اصلاً از مصادیق «ما ظهر» محسوب نمی‌شود. «وَلَا يُدِينَ زِينَتُهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» یعنی من الزينة، زینت در آیه اصلاً هیچ کاری به زینت عرضی ندارد.

اگر اینطور بگوییم (اشکالش را هم بیان می‌کنیم) اگر کسی اینطور گفت، گفت «زینتهن» یعنی یا آنهایی که می‌گویند مواضع

زینت، یا مثل ما که گفتیم مراد «ما تتزین به المرأة» است اما از این کشف می‌کنیم که مراد به ملازمه مواضع را هم می‌فهمیم، ما ظهر منها را اگر کسی اینطور معنا کرد، که نتیجه این می‌شود خود صورت به تنهایی، خود کفین به تنهایی، جواب این است که آن روایاتی که ما قبلاً خواندیم آن روایاتی که در مورد کحل وارد شده است، در مورد خاتم وارد شده است، در مورد خضاب وارد شده است، اینها در همین «الا ما ظهر» در روایات آمده بود اینها عناوینی هستند که زینت عرضی است و عرض بالذات زن نیست، پس در نتیجه ما باشیم از آیه استفاده می‌کنیم که اگر زن امروزه غیر از کحل يك زینت عرضی دیگری بر صورت خودش قرار داد ابدایش اشکال ندارد.

حالا فرض دوم این است آنجایی که زن می‌داند یا احتمال می‌دهد که دیگری در حرام واقع می‌شود اینجا هم دو احتمال وجود دارد، احتمال اول این است که بگوییم برای زن ابدایش اشکال ندارد، برای مرد رؤیتش حرام است او حق ندارد ببیند.

احتمال دوم این است که نه، هم برای مرد در اینجا رؤیتش حرام است هم برای زن ابدایش حرام است.

اگر در آنجایی که مردی در اثر نگاه به يك صورتی که آرایش شده است خوف وقوع در فتنه را داشته باشد، به ادله‌ی که در جای خودش هست و در همین آیه شریفه در ذیل آیه که «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» استفاده می‌شود که هر چیزی که موجب اثاره‌ی شهوت بشود، برای دیگری حرام است چه بسا بگوییم برای خود زن هم حرام است. ذیل آیه می‌گوید: زنها طوری راه نروند که صدای پاهای آنها و راه رفتن آنها طوری باشد که زینت‌های باطنی شان را اظهار بکند و دیگران گرفتار شهوت بشوند.

پس در این صورت دوم گفتیم دو احتمال وجود دارد، صورت دوم یعنی بگوییم خوب حالا بحث این است که دیگران در فتنه و در حرام واقع می‌شوند. احتمال اول اینکه برای مرد فقط دیدنش حرام است، برای زن حرام نیست. احتمال دوم این است که هم برای زن و هم برای مرد حرام است. ما باشیم و ذیل همین آیه شریفه بر هر دویشان حرام است.

اگر زن طوری آرایش کرد که احتمال می‌دهد دیگری در حرام واقع بشود، یا بالاتر علم به این دارد که دیگری در حرام واقع می‌شود، ذیل این آیه شریفه و لا یضربن بارجلهن به خوبی دلالت دارد بر اینکه این حرام است.

دوم اگر ما در قاعده حرمت اعانه‌ی بر اثم گفتیم این از مصادیق اعانه است، که در باب اعانت بر اثم مشهور فقهاء می‌گویند فرق بین تعاون و اعانه نیست؛ اگر آدم يك کاری بکند که کمک بشود به اینکه دیگری در حرام واقع بشود، اما باز در آنجا هم دو مبنا وجود دارد آیا قصد اعانه یعنی کسی که دارد این کار را می‌کند بقصد این است که دیگری در حرام واقع بشود که غالباً قصد را معتبر می‌دانند، آن هم يك راه دیگری است یعنی این زنی که خودش را آرایش می‌کند از راه قاعده اعانت بر اثم روی این مبنا که ما بگوییم قصد در اعانت معتبر هست اگر زنی خودش را طوری آرایش کند که بقصد این که دیگری در شهوت واقع بشود بر این زن هم حرام است.

پس باز تکرار می‌کنم چون اینها نباید باهم مخلوط بشود، ما باشیم و بحث خوف فتنه و وقوع در شهوت نباشد، به خودی خود زن صورتش را آرایش و ابداء بکند اشکال ندارد، مرد هم او را ببیند به خودی خود اشکالی ندارد مثالش مثل موی سر که عرض کردیم. در موی سر می‌گوییم چه خوف فتنه باشد و چه نباشد، بر زن ابدایش حرام است. و بر مرد هم رؤیتش حرام است. اینهایی که استثناء شده است مثل همان اطلاق در آن طرف، در این طرف هم اطلاق هست، زن می‌تواند صورت خودش را و لو آرایش هم کرده، چون گفتیم در روایات کحل آمده، خضاب آمده دیگر فرقی نمی‌کند وقتی يك نوع زینت عرضی ظاهری باشد بقیه‌اش هم مانعی ندارد.

پس این قسمت در این فرع نتیجه‌اش بر حسب آیه شریفه آن مقداری که می‌فهمیم و آن شاء الله درست فهمیده باشیم این است. اما بحث این که اگر زن آرایش بکند مرد در فتنه واقع می‌شود این يك بحث دیگری است ادله دیگری می‌خواهد گفتیم دو دلیل یکی ذیل این آیه «وَلَا يَضُرُّنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»

یکی هم قاعده اعانت بر اثم است. این دو دلیل می‌شود بر این که بر زن هم ابداء حرام است کما اینکه برای مرد هم نگاه کردن و نظر جایز نیست. حالا آیا این مورد منحصر به آنجایی است که علم به وقوع در شهوت داشته باشد، یا نه احتمالش را هم شامل می‌شود؟

این را گذاشته بودیم که بعداً به آن قسمت که رسیدیم عرض بکنیم «وَلَا يَضُرُّنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ» یعنی آنجایی که احتمال وقوع در فتنه را انسان می‌دهد، اینطور نیست که هر زنی وقتی طوری راه برود که زینت باطنی‌اش روشن بشود یقیناً دیگران در فتنه قرار بگیرند، غالباً یعنی در مظان وقوع در فتنه است، مراد اگر احتمال ضعیف است يك زن بگوید اگر من آرایش کنم يك صدم احتمال می‌دهم در این مسیری که مردها می‌آیند و می‌روند من را ببینند در حرام قرار بگیرد نه، این احتمال را هیچ فقیهی نمی‌گوید اثر دارد و منجز است، احتمالی که عنوان مظنه را دارد یعنی شصت یا هفتاد در صد در این مسیر مظان این است که وقوع در شهوت قرار بگیرد، ما باشیم و آیه این را هم شامل می‌شود و منحصر به علم نیست.

در آیه 12 گروه را استثناء کرده اعمام و احوال استثناء نشده در حالی که آنها هم جزء محارم هستند. این را دقت بفرمایید تا فردا عرض کنم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.